



برای شاد کردن هم همیشه
کافی لبخند بزنیم که میشه
با به تلنگر به غما بگیریم پیش
دور شین بابا، شادی بیا تو پیش پیش

ویژه نامه کودک هرمزگان شماره ۱۴، ضمیمه رایگان روزنامه صبح ساحل شماره ۴۸۲۸، شنبه ۲۷ اسفندماه ۱۴۰۱

داستان کودک



امیدرضا غظنفری



عمو نوروز سوار دوچرخه بود که برود شهر به شهر و خبر بهار را بدهد. ناگهان وسط راه دوچرخه اش پنچر شد. کسی هم نبود که پنچرگیری بلد باشد. پس دوچرخه را روی کول خود گذاشت و راهی شهرها شد. به هر شهری که می رفت گل و بلبل و دوچرخه سبز می شدند و همه بچه هایی که آرزوی دوچرخه داشتند، به آن می رسیدند.
عمو نوروز قول داد سال آینده ماشین در کیفش بگذارد تا آنهایی که پول ماشین ندارند از زمین، گل و ماشین بچینند.



کلمات مرتبط با هر گل را در گلبرگ بنویس



به نام خداوند بخشنده مهربان

دردی روزگاری در دشت سرسبز و دانا، اندازم دور جانم ازای
جوانم که یکجای سرازحک میزدن کرد.
جوانم که یکجای درختش راد و حکم جانم ازای جانم زد
به اطراف جانم ازای جانم ازای جانم ازای جانم ازای
سرمه جانم ازای جانم ازای جانم ازای جانم ازای
جوانم به برده جانم ازای جانم ازای جانم ازای

کیان فتاحی | بندرعباس

شعر کودک



شعر: هانیه هادی نژاد



بهار میاد پا گل و پلپل ناز
میگه خپر دارم پا ساز و آواز
چرا نشستی تو بغل غم داری
بپر زجا بخون پرانم به آواز

عید رسیده از راه سخت و بلند
تو شهر همه شادان و خنده پر لب
تو گل پده به هر کی غصه داره
شادی رو تقسیم میکنیم روز و شب

